کامل کنید

به کمک دوستان خود، ادامه‌ی داستان «کودک شجاع» را در چند جمله بنویسید.

مامون با خود اندیشید که این کودک و پسرش، دشمنان من هستند، باید هر طور شده فکری برای آن‌ها بکنم. اما در میان بزرگانی که همراه مأمون بودند. شخصی بود که مجذوب رفتار محمد (ع) شده بود. با خود گفت: «باید فردا، دور از چشم مأمون، به دیدار امام رضا (ع) و فرزند شجاعش بروم و با آنها بیشتر آشنا شوم».

ایستگاه فکر

از رفتار امام جواد ـ علیه‌السّلام ـ در این داستان می‌آموزم که ... .

همیشه با شجاعت حرف حق را بگویم.

زیر بار ظلم و ستم نروم.

بگرد و پیدا کن

متن زیر را بخوانید.

نامش محمّد است و نهمین امام ماست. یکی از لقب‌های او «جواد»، به معنای سخاوتمند و بخشنده است و لقب دیگرش «تقی» به‌معنای پرهیزکار.

در مدینه به دنیا آمد. در هشت سالگی به امامت مسلمانان رسید. با آنکه کودک بود، امّا دانش فراوانی داشت و پاسخ هر سؤالی را می‌دانست. بزرگ‌ترین دانشمندان از آن همه علم و دانش امام شگفت‌زده شده بودند.

حاکم ستمگر عبّاسی، که از رابطه‌ی مردم با امام بیم داشت، امام جواد ـ علیه‌السّلام ـ را به اجبار از مدینه به بغداد آورد امّا امام از راهنمایی مردم و مبارزه با ظلم دست برنداشت. ایشان در ۲۵ سالگی به شهادت رسید و در شهر کاظمین، کنار پدربزرگش امام موسیٰ کاظم ـ علیه‌السّلام ـ به خاک سپرده شد.

گام به گام هدیه‌ها صفحه به صفحه؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی